



● خانم سمان موحدی

شهرداری به دنبال ساختمان خانه کودک در یکی از محله‌های آسیب‌پذیر پایتخت

ناصر خسرو بدون خانه کودک



سامان موحدی‌راد، ظاهر ساختمان را که می‌بینید، یکی است مثل همه خانه‌های قدیمی و رو به ویرانی مرکز تهران، اما داستان این یکی با بقیه فرق دارد. بافت قدیمی و تاریخی شهر که روزگاری قلب تنیده‌ای بود، حالا بر دیوارهای دودگرفته، معنادار خیابان خواب، فاضلاب رهاشده در کوچه و سگ‌های ولگرد است. با این حال در همین کیفیت از بافت شهری ساختمان‌با وضعیتی‌نه‌چندان متفاوت از دیگر ساختمان‌های این محل، جایی امن برای کودکان است؛ آن‌قدر امن که بچه‌ها یک ساعت زودتر از ساعت کاری خانه کودک پشت در آن صف می‌کشند تا بهترین ساعت‌های روز بپریشان را بگذرانند؛ چراکه عمده کودکانی که به این مرکز سر می‌زنند، کودکان کار، مهاجران و کودکان آسیب‌دیده اجتماعی هستند. اینجا خانه کودک ناصر خسرو است که به دستور شهرداری تهران بعد از بیست‌وچند سال فعالیت دیگر قرار نیست وجود داشته باشد. به موجب حکمی که شهرداری تهران به انجمن حمایت از کودکان ابلاغ کرده، ساکنان این خانه که عمدتاً مددکاران داوطلب و کودکان آسیب‌پذیر هستند، باید آن را تخلیه کنند، بی‌آنکه فضای جایگزینی به آنها داده شود.

خانه کودک ناصرخسرو: ۱۳۸۰ تا ۲۱۴۰؟

سهیلا بابایی از اعضای هیئت‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان است. او می‌گوید که فعالان حقوق کودک سال‌ها در پارک‌های شهر تلاش می‌کردند با کردهم‌آوردن کودکان کار برخی اطلاعات لازم و آموزش‌های ضروری را در اختیار آنها بگذارند. این فعالیت‌ها در ابتدای دهه ۸۰ با دراختیارگرفتن یک ساختمان در ناصرخسرو رنگ‌بویی جدی‌تری به خود گرفت. یک سال قبل از اینکه محله ناصرخسرو صافبه خانه شود، در شوش خانه کودکی راه‌اندازی شده بود. در سال ۱۳۸۰ هم با تصمیم شهرداری ساختمان‌ی قدیمی که متعلق به بخش نثریات شهرداری بود، در اختیار انجمن حمایت از حقوق کودکان قرار گرفت تا این نهاد مدنی در دو مرکز پراسیب شهری جایی برای خدمات‌رسانی به کودکان داشته باشند. آن‌طورکه سهیلا بابایی و مددکاران خانه کودک ناصرخسرو می‌گویند، خیلی زود این خانه در ناصرخسرو شهرت و اعتبارش را کسب کرد و بی‌هیچ تبلیغ یا اطلاع‌رسانی به مرجعی برای حضور پرشور کودکان آسیب‌پذیر تبدیل شد. سهیلا بابایی می‌گوید که در طول ۲۲ سال فعالیت این خانه در محله ناصرخسرو آنها هیچ‌گاه مجبور نشدند برای جذب کودکان به خانه‌ها یا محل کارشان بروند و این کودکان بودند که خودشان را به خانه می‌رساندند. سال‌گذشته آنها پذیرای ۱۰۵ کودک آسیب‌پذیر بودند که به گفته عضو هیئت‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در صورت داشتن فضای بیشتر این عدد حداقل می‌توانست تا دو برابر هم افزایش پیدا کند.

به گفته سهیلا بابایی خدمات ارائه‌شده در این مرکز حول دو محور «سوادآموزی» و «خدمات کاهش آسیب‌های اجتماعی» متمرکز شده است؛ چراکه بخش زیادی از مراجعه‌کنندگان به این مرکز کودکان افغانستانی هستند که غالباً تحصیل نکرده‌اند و باید در دوره‌های سوادآموزی شرکت کنند. دیگران هم اغلب از محیط‌های پرتنشی می‌آیند که نیاز به مراقبت دارند. آموزش اطلاعات و بهداشت جنسی هم یکی از محورهای آموزشی این مرکز است. بسیاری از این کودکان در فضاهایی با شرایط غیراستاندارد یا خانه‌های گروهی با جمعیت بالا و افرادی در سننین مختلف زندگی می‌کنند و ناآگاهی از برخی اطلاعات جنسی می‌تواند آنها را معرض خطر قرار دهد. سهیلا بابایی همچنین می‌گوید که آنها تلاش می‌کنند با محل کار این کودکان هم ارتباط داشته باشند و آنها را در جریان اطلاعات لازم در این زمینه قرار دهند.

اگرچه درهای خانه کودک در همه ساعت‌های روز به روی کودکان باز است؛ اما ساعات شلوع این مرکز صبح زود و تا پیش از ۹ صبح است؛ چراکه اغلب کودکان بعد از چند ساعت آموزش باید به محل کارشان بروند. عضو هیئت‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در بخش دیگری از صحبت‌هایش می‌گوید که این مرکز با بیش از دو دهه فعالیت در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی شهرت قابل قبولی در محله دارد و اعتماد به آن هم در میان مردم و مسئولان محلی بالاست. برای نمونه کلاتری منطقه ارتباط خوبی با خانه دارد و از سوی دیگر آنها با جلب اعتماد بازاری‌ها توانسته‌اند بخشی از حمایت‌های مالی بازار را هم به دست بیاورند. بخش زیادی از خدمات ارائه‌شده از سوی این مرکز هم از طرف چهره‌های مردمی داوطلب مثل پزشکان و مددکاران داوطلب ارائه می‌شود.

با همه این احوال به گفته سهیلا بابایی در سال‌های اخیر توجه بخش دولتی به نهادهای مدنی کم شده و نقش مهم آنها نادیده گرفته شده است. برای نمونه برخی بیمارستان‌های دولتی بسا این مرکز در طول سال‌ها رابطه خوبی داشتند و خدمات بهداشتی را به کودکان این مرکز ارائه می‌دادند؛ اما اکنون این رابطه قطع یا کم‌رنگ شده. موضوع دیگر نامه‌ای است که شهرداری تهران به این مرکز ابلاغ کرده و از آنها خواسته تا این خانه را تخلیه کنند. سهیلا بابایی می‌گوید که در نامه شهرداری نالین‌بودن خانه دلیل تخلیه در پایان تیرماه عنوان شده؛ اما نه اشاره‌ای شده که این خانه چه زمانی قرار است ایمن شود و نه اینکه ساختمان جایگزینی در همین محله به آنها پیشنهاد شده است. به‌این‌ترتیب یک پایگاه اجتماعی مهم که نتیجه کار بیش از دو دهه فعالان مدنی است، قرار است از روی نقشه پاک شود.

تهدید نهادهای مدنی

در چند روز گذشته اقدامات شهرداری تهران در پس‌گرفتن دفاتر چند نهاد مدنی واکنش‌هایی را در پی داشته است. پیش از ارسال نامه برای بازپس‌گیری ساختمان خانه کودک ناصرخسرو، مجرای گرفتن ساختمان «خانه اندیشندان علوم انسانی» در فضای رسانه‌ای واکنش‌های زیادی به همراه داشت. در روزهای اخیر هم ماجرای تخلیه ساختمان انجمن یوز و خانه کودک ناصرخسرو خبر از عزم شهرداری تهران برای بازپس‌گیری ساختمان نهادهای مدنی می‌دهد.

فائزه رضازاده، مسئول واحد حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان، در گفت‌وگو

اقدامات مربوط به کودکان، اصل منافع عالیه کودک می‌بایست اهم ملاحظات باشد. به تعبیر دیگر سنگ بنای سنجش اینکه اقدامی تا چه اندازه می‌تواند قابل دفاع باشد، پرسش از این است که آیا این تصمیم نهایتاً منافع گروه یا فردی را تأمین می‌کند؟ به نظر می‌رسد باید یادآور شد که این کنوانسیون به موجب ماده ۹ قانون مدنی جزء قوانین موضوعه محسوب می‌شود و لازم‌الاجراست. در یک جمع‌بندی، به نظر پرونده خانه کودک ناصرخسرو را باید به عنوان نمونه‌ای از یک کل دید. سیاستی که گاه با توسل به انواع اقدامات تحدیدکننده و سلبی با اعمالی نظیر لغو مجوز، تعلیق، اعمال فشار در سطوح مختلف و سلب امکان فعالیت با محدودیت‌ها و موانع عملی، و گاه به شکل ایجابی با استقرار تاسیسات جدیدی قصد عقب‌راندن، متوقف‌ساختن و نهایتاً حذف نهادهای مدنی را دارد. از رهگذر چنین زاویه دیدی است که پرداختن به مسئله پیش‌آمده برای این مرکز مدعی‌اری می‌شود. ما را از یک درک جزئی‌نگر و معطوف به رخداد جدا می‌کنند و بحران واقعی را که همانا تهدید کلیت نهادهای مدنی است، برجسته و آشکار می‌سازد.

پیشگیری سطح اول در ایران جدی گرفته نمی‌شود

سؤال مهمی که وجود دارد این است که حذف مرکزی چون خانه کودک ناصرخسرو با این سابقه و خدمات قابل توجه چه تبعاتی برای جامعه دارد. محبوبه توکلی، مسئول واحد مددکاری اجتماعی انجمن حمایت از حقوق کودکان، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که ابتدا باید روشن کنیم که با بستن در خانه کودک ناصرخسرو چه خدماتی از این محله حذف می‌شود. او در همین راستا می‌گوید: «یکی از خدمات اصلی خانه کودک ناصرخسرو موضوع آموزش است. مسئله آموزش ابعاد مختلفی از زندگی کودکان را دربر می‌گیرد. آموزش مهارت‌های زندگی، خودمراقبتی و سوادآموزی از مهم‌ترین خدماتی است که خانه کودک به مراجعین ارائه می‌کند. تحقیقات در سایر کشورها هم نشان داده که آموزش از مهم‌ترین فاکتورهای توانمندسازی کودکان کار است که منجر به کاهش پدیده کار کودکان هم می‌شود. در کنار خدمات آموزشی ما تلاش می‌کنیم تغییراتی در وضعیت کودکان و در محیطی که در آن زندگی می‌کنند ایجاد کنیم. بیشتر کودکانی که به ما مراجعه می‌کنند افغانستانی هستند. اغلب خانواده‌های شان در افغانستان زندگی می‌کنند و آنها به عنوان منبع درآمد در ایران کار و زندگی می‌کنند. این کودکان در خانه‌های جمعی با چند کودک و بزرگسال دیگر زندگی می‌کنند. برای چنین کودکانی ما تلاش می‌کنیم ارتباطی را با کارفرمای آنها برقرار کنیم. ارتباط مستمر مددکارها با کارفرما موجب می‌شود که آنها بدانند که کودک یک حامی دارد و از سوءاستفاده‌های احتمالی از کودک جلوگیری می‌شود. در حال حاضر ارتباط به‌خوبی شکل گرفته و اگر کودک در محل زندگی‌اش یا جای دیگر مورد آزار قرار بگیرد کارفرما به ما گزارش می‌دهد. در محل زندگی این کودکان هم اغلب با یک بزرگسال امن ارتباط برقرار می‌کنیم و تلاش داریم محل زندگی آنها را تا جایی که ممکن است به خانه‌ای امن تبدیل کنیم.»

توکلی در بخش دیگری از صحبت‌هایش هم می‌گوید: «به جز این گروه از کودکان بخشی از مراجعین ما هم کودکانی هستند که با خانواده زندگی می‌کنند اما به دلیل شرایط بد اقتصادی مجبور به انجام کار شده‌اند. بارها شده که ما در خانه کودک با مراجعینی مواجه شده‌ایم که مورد خشونت جسمی، روانی یا حتی جنسی قرار گرفته بودند. مددکارهای خانه کودک با خانواده همه این کودکان در ارتباط هستند و تلاش می‌کنند آسیب‌های واردشده به کودکان را کاهش دهند؛ یعنی هم تلاش می‌کنیم مشکلات اساسی سیستم خانواده را تا جایی که می‌توانیم حل کنیم و هم درصدد ترمیم آسیب‌های واردشده برآییم. گاهی پدر خانواده کاری ندارد که تلاش می‌شود برای او شغلی پیدا کنیم یا خانواده مشکل داشتن اوراق هویتی دارند که تلاش می‌شود برطرف شود. علاوه بر اینها واحد خدمات روان‌شناختی ما هم تلاش می‌کند با دادن خدمات به کودکان در جهت رفع آسیب‌های واردشده به آنها گام بردارد. به صورت کلی ما هم به کودکان خدمات ارائه می‌کنیم و هم به کسانی که در محیط آنها قرار دارند. طبیعتاً حذف این خدمات خسارت‌های جبران‌ناپذیری دارد. اگر ارائه اینک آسیب حذف این خدمات در درجه اول به کودکان وارد می‌شود. چراکه کودکان خانه کودک ناصرخسرو را محیطی امن برای خودشان در برابر شرایط سخت بیرون می‌دانند. در واقع آنها به خانه کودک پناه می‌آورند.»

محبوبه توکلی درباره تبعات تعطیلی این مرکز می‌گوید: «یکی دیگر از آسیب‌های حذف این مرکز این است‌ که محیط کار برای کودکان ممکن است به جایی ناامن تبدیل شود. به هر حال حال یکی از حامیان کودکان ممکن است منجر به آزارهایی برای آنها در محل کار یا خانه شود. به این ترتیب جرچه آسیب ادامه‌دار خواهد شد و کودکانی که در این محیط‌ها آسیب می‌بینند وارد جامعه می‌شوند و آن وقت آسیب آن به همه می‌رسد. موضوع دیگر اینکه پیشگیری در جامعه ما اغلب در پیشگیری سطح اول جدی گرفته نمی‌شود. یعنی باید اتفاقی رخ دهد یا به آن واکنش نشان دهند. برای همین است که اغلب دیده نمی‌شود نهادهایی چون انجمن حمایت از حقوق کودکان یا مراکزی چون خانه کودک ناصرخسرو با خدماتی که ارائه می‌دهند موجب می‌شوند که از بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری شود یا آسیب‌ها با شدت کمتری اتفاق بیفتند. در حال حاضر هم با رویکردی که پیش گرفته شده که بسیاری از نهادهای مدنی در حال تعطیلی هستند باید منتظر گسترده‌ترشدن آسیب‌های جدی در جامعه باشیم. این یک هشدار است که در صورت حذف این نهادها جامعه با آسیب‌های بزرگ‌تری مواجه می‌شود.»



فرهنگی آن و معماری منحصربه‌فردش واجب است. هادی حجازی‌فر هم گفته است: ممنونم که کار مهم پاک‌سازی تئاتر شهر بالاخره شروع شد، چون نگارنی همیشگی ما وضعیت اطراف تئاتر شهر بود. امیدوارم این ساماندهی استمرار داشته باشد. خبرنگاران از او می‌پرسند موافق این حرکت مدیریت شهری هستید، می‌گوید صد درصد. این کار باید شروع می‌شد. اما از یکی از خبرنگاران که قصد داشت از گفت‌ووکیش فیلم بگیرد، می‌خواهد که از او فیلم بگیرد. می‌پرسند صدا و تصویر چه فرقی می‌کند؟ او پاسخ می‌هد: باید به این افراد فضای جایگزین داده شود ما که دشمنان این افراد نیستیم و این افراد هم از درماندگی و فشار اقتصادی آمده‌اند دست‌فروشی ولی من این وسط هیچ‌کارام حالا همه این‌ا کارها کردن ما نیستف. می‌گویم پس خودتان هم معذب هستید از این حرکت، محکم پاسخ می‌دهد نه این‌طور نیست. بیرون ساختمان در گرمایی که در حال رکوردزنی است، تعدادی از دست‌فروشان منتظرند جشن تشکر به پایان برسد تا فرصتی شود تا عاقب‌شان را از مدیران شهری بپگیري کنند.

شهردار منطقه ۱۱ و سخنگوی شورای شهر که از ساختمان خارج می‌شوند، دست‌فروشان دورشان حلقه می‌زنند. در میانشان همه مدل دست‌فروشی هست، یکی از آنها پیشنهاد می‌دهد محلی مانند ۲۰ تیر در اطراف این خیابان ایجاد شود و آنها حاضرند پول غرغه‌ها را هم بدهند اما همه مانند این دست‌فروش که توان پرداخت پول غرغه را دارد، نیستند. خانمی میناسال با چمدان اوستی که ته‌مانده سباطش است، آسپاده و می‌گوید یک هفتقه است که درآمدی نداشته و منتظر است که قول مدیران شهری محقق شود و در یکی از روزبازارها به او جایی بدهند. شهردار می‌گوید دست‌فروشان اینجا قه‌م‌کشی کرده‌اند و شورش را آن‌قدر درآورده‌اند که دیگر نمی‌شود کاری کرد. یکی از بساطی‌ها می‌گوید آن کسی که قه‌می می‌کشد دست‌فروش نیست. اینجا هر اتفاقی می‌افتد به پای دست‌فروش‌ها می‌نویسند، اما فقط می‌خواهیم یک لقمه نان حلال دربیآوریم. اما شهردار که تازه از جشن حمایتی هنرمندان داخل ساختمان استوانه‌ای بیرون آمده، می‌گوید با دست‌فروشان مشکلی ندارد اما چاره‌ای هم برای این جماعت ندارد.

میانه دیوار این ساختمان استوانه‌ای ترک برداشته کمی هم لبه جلو آمده از بنا ریخته. اهالی ساختمان تئاتر شهر، تنها به دنبال حصارکشی آن هستند. آن‌سوی خیابان دست‌فروشی آزاد است. هر گوشه از شهر انکار قانون خودش را دارد.

ندارد با تصاویر زشت و بی‌توجهی، آن را به دست فراموشی بسیار. متأسفانه طی سال‌های اخیر، وجهه فرهنگی این مجموعه به دلیل حضور نابسامانی‌های فرهنگی و هنری به‌شدت سقوط کرده است. او تأکید می‌کند: اولین گام پس از پاک‌سازی فضای مجموعه تئاتر شهر، کشیدن حصار است. مدیران فرهنگی نباید بگذارند کلیت فرهنگی این فضا، عرصه فعالیت آدم‌های سودجو شود. دانشگاه، مسجد، مجلس و دیگر فضاها به دلیل قداستی‌که دارند، دارای حصار هستند تا هیچ‌کس به حریم آنها تجاوز نکند. اینجا جهان سوم است و متأسفانه بعضی از تعاریف سر جای خود نیستند. ما باید با چارچوب‌های منطقه‌ای این تعاریف را جا بیندازیم و حرمت این مکان‌ها را نگه داریم. مجموعه تئاتر شهر هم برای اهالی فرهنگ و هنر قداست دارد و نیازمند حریم است و حفظ و حراست وجهه



امیر دزاکام کارگردان و بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون هم تأکید می‌کند: همه می‌دانیم این محیط نیازمند حریم است. کدام‌یک از ما نمی‌دانیم در این سال‌ها چه جرم و جنایت‌هایی در اینجا رخ داده؟ کدام‌یک از شما حاضرید اعضای خانواده خودتان در این محدوده تردد کنند؟ خواسته ما به‌عنوان خانواده تئاتر ایجاد این حریم و اجرای برنامه هنری در داخل آن است. شهرداری باید هزینه کند، چون وظیفه اوست و این پرسش را هم داریم که چرا از تئاتر مالیات می‌گیرند؟ قطب‌الدین صادقی یکی دیگر از هنرمندانی است که طرفدار حذف دست‌فروشان از محدوده تئاتر شهر بود. او به سایت روابط عمومی تئاتر شهر گفته است: مجموعه تئاتر شهر معبد تئاتر ایران است. این مجموعه درست یا غلط، موتور خلاقه تئاتر ایران و الگوی فرهنگی و هنری کشور است که کسی حق

کسانی هستیم که ناهنجاری‌های جنسی دارند و البته که حق زیست دارند. ولی تلاش می‌کنیم در اطراف تئاتر شهر حضور نداشته نباشند بلکه در جای دیگری مستقر شوند.

او به طرح ایجاد حریم مجموعه تئاتر شهر که پیش‌تر مطرح شده هم اشاره کرده و گفته است: پارسال این طرح با سازمان زیباسازی مطرح شد و دوستان تئاتر شهر هم طر‌حی دیگر ارائه کردند. برای ما فرقی ندارد کدام طرح اجرائی شود بلکه مهم، سلامت محیط مجموعه است. ممنوعیت بساط‌گذاری در اطراف چهارراه ولیعصر را پاکسازی دست‌فروشان توصیف می‌کنند؛ هم مدیران شهری و هم اهالی تئاتر شهر.

سخنگوی شورای شهر در مراسم نمادین حمایت هنرمندان از مدیریت شهری هم می‌گوید: قبلاً بوستان‌ها مورد استفاده خانواده‌ها بود ولی مشکل بزرگ ما این است که امروز در اطراف تئاتر شهر که جزء میراث فرهنگی است، شانه‌روزی با انواع معضلات اجتماعی مواجه هستیم و حضور دست‌فروشان سبب شده بود کنترلی بر این فضا نداشته باشیم. درخواست ما حمایت از این کار است چون فشارها بر همکاران در شهرداری زیاد است. همه فضاهای شهری باید برای خانواده‌ها قابل استفاده باشد. مسعود رنجبریان، مدیرعامل شرکت شهریان و حریم‌بان هم در جمع مدیران می‌گوید: محدوده تئاتر شهر همیشه دغدغه شورای شهر و شهرداری بوده. در این محدوده، همکاران ما را با جاقوز زده‌اند و بعد از ساعت کار نیروی انتظامی، نگهداری اینجا سخت می‌شود. بعضی از دست‌فروشان اینجا واقعا خرج خانواده را می‌دهند و هرچند پاک‌سازی این مکان لازم است اما خوب است که دست‌فروشان با یک فاصله‌ای، مستقر شوند.

جواد طاهری، مدیر مجموعه تئاتر شهر هم در سخنان کوتاهی می‌گوید: درخواست هنرمندان استمرار این شرایط است که در این چند روزه شاهد امنیت بودهایم و نیز اجرای طرح حریم مجموعه، دیگر درخواست ماست که این طرح که در میراث فرهنگی مصوب شده، اجرا شود.